

درس ۱ چيستی فلسفه

* تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام عبارت غلط می باشد:

- ۱- در میان انبوه افکار ، مسئله ها ، و اعمال روزانه گاه وبی گاه برقی از سوال های ویژه می جهدص
- ۲- عموم آدم ها ، برق ها ی جهنده را در دقایقی از ساعات روز یا هفته یا سال مشاهده کرده اند، اما اغلب از آن عبور کرده و درباره آن ها نیندیشیده اند.ص
- ۳- هنگامی که یک فرد به نحو جدی به یکسری پرسش های ویژه و اساسی پردازد و رسیدن به پاسخ آن ها دغدغه خاطر اوشود ، وارد تفکر فلسفی شده است حتی اگر کارگر بافیزیک دان یا پزشک باشد.ص
- ۴- تفکر فلسفی لازمه زندگی هر انسانی نیست.غ
- ۵- تفکر فلسفی ونیز اندیشیدن درباره سوال های ویژه و اساسی یک ضرورت عام وهمگانی است.ص
- ۶- تلاش های بشر برای پاسخ قانونمند به سوال های ویژه و اساسی موجب ظهور دانشی به نام "فلسفه" گشته است.ص
- ۷- فیلسوفان کسانی هستند که به مسئله ویژه و اساسی به صورت قانونمند و تخصصی می پردازند و پاسخ های دقیقی به این قبیل سوال های می دهند.ص
- ۸- فلسفه درباره بنیادی ترین ونهایی ترین مسئله ها وموضوعات جهان وانسان بحث می کند واین، تفاوت اساسی فلسفه با سایر دانش های عرفانی است.غ
- ۹- عالم تجربی در اصل وحقیقت جهان ، طبیعت وانسان کاوش می کند. غ
- ۱۰- مسائل فلسفی را می توان از طریق حواس یا آزمایش یا جست وجو در طبیعت حل کرد وپاسخ داد.غ
- ۱۱- مسئله های فلسفی مانند مسئله های ریاضی ، فقط با عملیات فکری می توان به حل آن ها پرداخت.ص
- ۱۲- پژوهش های تجربی ، تاریخی ، نقلی ، ذوقی وادبی، در مسئله های فلسفی کاربرد دارند.غ

* جاهای خالی را با کلمات مناسب پُر کنید:

- ۱۳- در داستان کشتی و دریا، دریا...بی کران بودن...ناخدای کشتی... جوان ایستاده بر عرشه کشتی...خورشید... آمدن جوان روی عرشه... وتبدیل لذت به هراس... نماد ونشان چه اموری است؟(کل جهان هستی / بی نهایت و بی انتها بودن جهان هستی / خالق جهان هستی / فیلسوف / رها شده برای لحظاتی از حالت عادی و روزمره(عبور از فطرت اول به فطرت ثانی / تفاوت موضوع تفکر با مسائل روزمره و پیچیده بودن آن)

- ۱۴- هنگامی که برای انسان پرسش‌های جدی و بنیادین متفاوت با مسائل هر روزه مطرح شده و دغدغه او می‌شود، وارد.....شده است. (تفکر فلسفی)
- ۱۵- لازمه زندگی هر انسانی تفکر.....است. (فلسفی)
- ۱۶- تفاوت فلسفه با سایر علوم، تفاوت دراست. (موضوع)
- ۱۷- تفکر فلسفی در حقیقت، یک ضرورت.....و.....است. (عام- همگانی)
- ۱۸- مهم‌ترین مرحله زندگی انسان برای شکل‌گیری سوالات و تفکرات فلسفی.....و.....است. (نوجوانی / جوانی)
- ۱۹- دانش.....عهدده دار بررسی روشمند سوالات فلسفی و بنیادین است وبه صورت تخصصی به این مسئله پرداخته اند. (فلسفه - فیلسوفان)
- * ۲۰- لفظ فلسفه ریشه.....دارد و مرکب از کلمات، فیلوبه معنای.....و سوفیا به معنای.....است. (یونانی / دوستداری / دانایی)
- * ۲۱- شاید اولین بار لفظ «فیلو سوفیا» رابه کار برداما.....آن را بر سر زبان‌ها انداخت. (فیثاغورس / سقراط)
- * ۲۲- دانشمندان پیش از سقراط خود رابه معنی.....می خوانند. (سوفیست / دانشمند)
- * ۲۳- سقراط قطعاً به دلیل.....و احتمالاً به دلیلنمی خواست سوفیست خوانده شود، بلکه از لفظبه معنای.....استفاده می کرد. (تواضع و فروتنی / هم‌ردیف نشدن با سوفیست‌ها / فیلسوف / دانشمند)
- * ۲۴- سوفیست‌ها بیشتر به تعلیم.....و... اشتغال داشتند و بر آموزش فن...تاکید می کردند (سخنوری / وکالت / سخنوری)
- * ۲۵- سوفیست‌ها در استدلال‌های خود.....می کردند. (مغالطه)
- * ۲۶- مغالطه استدلال‌های به ظاهر.....اما در واقع.....است. (درست / غلط)
- * ۲۷- واژهبه مرور زمان ارتقاء معنایی و واژه.....تنزل معنایی یافت. (فیلسوف / سوفیست)
- * ۲۸- کلمه سفسطه در زبان عربی ازگرفته شده و معنای رایج آن.....است. (سوفیست / مغالطه کاری)
- ۲۹- فلسفه درو.....مسئله‌ها و موضوعات جهان و انسان، بحث می‌کند. (بنیادی‌ترین و نهایی‌ترین)

۳۰- اگر کسی بپرسد: «آیا طبیعت همواره و همیشه یکسان عمل می کند» برای پاسخ به این سوال باید سراغ.....رفت. (فلسفه علوم طبیعی)

۳۱- روش فلسفه در حل مسائل روش.....است که از این حیث شبیه.....است. (تعقلی / ریاضیات)

۳۲- وحدت بخش تمام بحث های فلسفی توجه بهمسئله هاست. (بنیادی ترین)

۳۳- مسئله های فلسفی مانند مسئله های فقط با عملیات می توان به حل آن ها

پرداخت. (ریاضی / فکری)

۳۴- فیلسوف در اصل و حقیقت جهان ، و کاوش می کند. (طبیعت / انسان)

۲ * گزینه ی صحیح را انتخاب کنید:

۳۵- کدام گزینه در مورد تفکر فلسفی نادرست است؟

(۱) تفکر فلسفی لازمه زندگی هر انسانی است.

(۲) وقتی به نحو جدی به یکسری پرسش های ویژه و اساسی می پردازیم و به دنبال پاسخ باشیم وارد تفکر فلسفی شدیم.

(۳) تفکر فلسفی و اندیشیدن درباره سوال های ویژه و اساسی یک ضرورت عام و همگانی است.

(۴) نگاه ابتدایی و ظاهری به موضوعات زندگی عادی و روزانه قطعاً منجر به تفکر فلسفی می شود.

۳۶- کدام مورد از موارد زیر لازمه زندگی هر انسانی است؟

(۱) نگاه ابتدایی و ظاهری به موضوعات زندگی (۲) تفکر فلسفی (۳) حیرت و شک (۴) فلسفه های مضاف

۳۷- ویژگی های فلسفه در کدام گزینه از گزینه های زیر ذکر شده است؟

(۱) بنیادی ترین مسئله ها و موضوعات - استفاده از روش عقلی و استدلالی

(۲) ابتدائی ترین مسئله ها و موضوعات - استفاده از روش عقلی و استدلالی

(۳) استفاده از روش حسی و تجربی - بنیادی ترین مسئله ها و موضوعات

(۴) استفاده از روش حسی و تجربی - ابتدائی ترین مسئله ها و موضوعات

۳۸- تفاوت اساسی فلسفه با سایر دانش ها در کدام گزینه دقیق تر بیان شده است؟

۱) فلسفه درباره بنیادی ترین و نهایی ترین مسئله ها و موضوعات جهان و انسان بحث می کند.

۲) سایر دانش ها درباره بنیادی ترین و نهایی ترین مسئله ها و موضوعات جهان و انسان بحث می کند.

۳) سایر دانش ها ، در هر موضوعی به دنبال نهایی ترین پرسش ها درباره چیستی و چرایی امور هستند.

۴) فلسفه را نمی توان از طریق حواس یا آزمایش یا جست و جو در طبیعت حل کرد و پاسخ داد.

جواب سوالات تستی: ۳۵- (گزینه ۴) ، ۳۶- (گزینه ۲) ، ۳۷- (گزینه ۱) ، ۳۸- (گزینه ۱)

۳۹- هر یک از گزینه های ستون راست با یکی از گزینه های ستون چپ منا سبت دارد، آنها را در

کنار هم بنویسید؟

۱) لازمه زندگی هر انسان و یک ضرورت عام و همگانی (ب)

۲) توجه به بنیادی ترین مسئله ها و موضوعات - استفاده از روش عقلی و استدلالی (الف)

۳) فقط با عملیات فکری می توان به حل آن ها پرداخت و شبیه به مسائل ریاضی (ج)

۴) حل مسائل فلسفی (و)

الف- ویژگیهای تفکر فلسفی

ب- تفکر فلسفی

ج- مسئله های فلسفی

د- تبیین عقلانی امور

و- عملیات فکری

۳

* پاسخ کوتاه دهید:

۴۰- با تأمل در ماجرای کشتی و دریا چه برداشتی در ذهن شکل میگیرد؟ توصیف کنید. در داستان

کشتی و دریا، دریا کل جهان هستی بی کران بودن بی نهایت و بی انتها بودن جهان هستی ناخدای کشتی خالق جهان هستی جوان ایستاده بر عرشه کشتی فیلسوف خورشید رها شده برای لحظاتی از حالت عادی و روزمره (عبور از فطرت اول به فطرت ثانی) آمدن جوان روی عرشه و تبدیل لذت به هراس نماد و نشان تفاوت موضوع تفکر با مسائل روزمره و پیچیده بودن آن است.

۴۱- علاوه بر سوالات روزمره زندگی، چه سوالات دیگری گاه و بی گاه در ذهن شکل میگیرد؟ چند نمونه از مهم ترین آن ها را بنویسید. مهم ترین سوالات می تواند این باشد که: ۱- از کجا آمده ام؟ ۲- چرا آمده ام؟ ۳- به کجا می روم؟

* ۴۲- با مقایسه «واقف» و «سائر» شباهت و تفاوت های آن ها را بنویسید؟ هر دوازده نتایج علوم، عالم

محسوسات و شنیده ها بهره میبرند. اما واقف به محسوسات و شنیده ها بسنده میکند، به معقولات راه نمی یابد و اهل حرکت و تکاپوی مدام نیست.

۴۳- چه هنگام انسان قدم به عرصه تفکر فلسفی می گذارد؟ هنگامی که پرسش های بنیادین و اساسی برای

انسان مطرح شده و دغدغه خاطر او شود .

۴۴- چه نوع تفکری لازمه زندگی هر انسانی است؟ تفکر فلسفی

۴۵- مراحل تفکر فلسفی و دریافت فلسفی را نام ببرید؟

برخورد با مسئله ← حیرت ← طرح سؤال های اساسی ← تفکر در اندوخته ها ← دریافت فلسفی

۴۶- اهمیت تلاش برای یافتن پاسخ پرسش های بنیادین در حیطه تفکر فلسفی چیست؟ شکل گیری نحوه زندگی، رفتار و گفتار انسان.

۴۷- چه دانشی عهده دار بررسی روشمند سوالات اساسی انسان است و چه کسانی به صورت تخصصی به آن پرداخته اند؟ فلسفه- فیلسوفان

* ۴۸- ریشه فلسفه از کجا گرفته شده و معرب از چه کلمه ای است؟ لفظ فلسفه ریشه یونانی دارد و مرکب از کلمه «فیلو» به معنای دوستداری و «سوفیا» به معنای دانایی است.

* ۴۹- چه کسی لفظ «فیلو سوفیا» را بر سر زبان ها انداخت؟ شاید اولین بار فیثاغورس این لفظ را به کار برد اما از زبان سقراط بیشتر مورد استفاده قرار گرفت.

* ۵۰- معنای اولیه و رایج واژه های «فلسفه»، «سوفیست»، «فیلسوف» کدام است؟

اولیه: فلسفه ← دوستداری دانایی - سوفیست ← دانشمند - فیلسوف ← دوستدار دانش

رایج: فلسفه ← دانش - سوفیست ← مغالطه کار (تنزل معنایی) - فیلسوف ← دانشمند (ارتقای معنایی)

* ۵۱- سوفیست ها در باره حقیقت و واقعیت، چه اعتقادی داشتند؟ برای حقیقت و واقعیت اعتباری قائل نبودند و می گفتند هر کس هر چه خودش بفهمد همان حقیقت و واقعیت است.

۵۲- ویژگی های فلسفه کدام است؟ ۱- به دنبال بنیادی ترین مسئله ها و موضوعات ۲- استفاده از روش عقلی و استدلالی

۵۳- چند مسئله از مسئله هایی که در فلسفه کاربردی ندارند نام ببرید؟ پژوهش های تجربی، تاریخی، نقلی، ذوقی و ادبی، به حوزه های دیگر دانش، مثل علوم طبیعی، تاریخ، دین، ادبیات و عرفان تعلق دارند و نمی توانند در حوزه مسائل و پرسش های فلسفی کاربرد داشته باشند.

۵۴- سه نمونه از نمونه سوالات ویژه و اساسی که گاه و بی گاه در میان انبوه افکار و اعمال روزانه در ذهن

برخی انسان ها بروز می کند را نام ببرید. چرا درد و رنج هست؟ آیا نمی شد در جهانی زندگی کنیم که خبری از درد و رنج در آن نباشد؟ سعادت واقعی چیست؟ آیا می توان آن را به دست آورد؟ سرانجام ما انسان ها در این جهان چیست؟ جهان چه سرانجامی دارد؟ آیا ما جهان، اشیا و پدیده ها را همان گونه که هستند، می توانیم دریابیم؟ عشق و دوستی چطور؟ آیا آنها امور واقعی هستند؟ آیا میان خوشبختی ما و دیگران رابطه ای وجود دارد؟ آیا خوبی و بدی، امری شخصی و سلیقه ای است یا معیاری معین و مشخص دارد؟ اصلاً آیا انتخاب و اختیار حقیقت دارد یا زندگی مجموعه ای از فعالیت های جبری است؟ ما در چگونه جهانی زندگی می کنیم؟ قانون مند یا بی قانون؟ دارای علت یا بدون علت؟ آیا حواس ما گاه گاهی اشتباه نمی کند؟ چگونه جلوی خطای حواس را بگیریم؟ آیا من همان احساساتم هستم؟ آیا من همان خاطراتم هستم؟ راستی من کیستم؟ (سه نمونه کافی است)

۵۵- چه زمانی می توان گفت که فردی وارد مرحله تفکر فلسفی شده است؟ انسان از آن هنگام که به صورتی جدی به این پرسش ها می پردازد و رسیدن به پاسخ آنها دغدغه خاطر اومی شود، وارد تفکر فلسفی شده است، حتی اگر یک کارگر یا فیزیک دان یا پزشک یا مغازه دار باشد. به عبارت دیگر، تفکر فلسفی لازمه زندگی هر انسانی است؛ برخی انسان ها به آن توجه می کنند و برخی دیگر با بی توجهی از کنار آن می گذرند.

۵۶- چه عاملی باعث ظهور فلسفه شده است و فلسفه عهده دار بررسی چه مسائلی شده است؟ تلاش های بشر برای پاسخ قانونمند به سؤال های طرح شده موجب ظهور فلسفه گشته است. به عبارت دیگر: دانش فلسفه عهده دار فلسفه دانشی به نام بررسی قانونمند این قبیل سؤال هاست و فیلسوفان کسانی هستند که به صورت قانونمند و تخصصی به آنها پرداخته و کوشیده اند پاسخ های دقیقی به این قبیل سؤال ها بدهند.

۵۷- آغاز سوال های اساسی هر انسانی کدام مرحله از زندگی است و لازمه کامیاب شدن در آن چیست؟ جوانی و نو جوانی آغاز شکفتن این سوال هاست که به تدریج به دل مشغولی او تبدیل می شود و لازمه کامیابی در آن، دقت و تلاش فکر پیوسته و دائمی است تا فرد بتواند با ورزیدگی عقلی از امور معمولی و روزمره بگذرد و با دقت و نظم منطقی در مسائل اصلین زندگی اندیشه کند و به پاسخ های مناسب برسد

۵۸- تفاوت اساسی فلسفه با سایر دانش ها چیست؟ (یا مرز این دانش با سایر دانش ها کجاست؟ یا کدام گفت و گو را می توان گفت و گویی فلسفی نامید؟ یا مسائل فلسفی کدام اند و چگونه از مسائل دیگر علوم جدا می شوند؟ فلسفه در باره ی بنیادی ترین و نهایی ترین مسئله ها و موضوعات جهان و انسان بحث می کند. به عبارت دیگر فلسفه وارد هر موضوعی می شود اما تفاوت آن با سایر علوم این است که فلسفه به اصل هستی (اصل و حقیقت جهان، طبیعت و انسان...) می پردازد و سایر علوم به ویژگی های موجودات هستی. فیلسوف در اصل و حقیقت جهان، طبیعت، انسان کاوش می کند. فلسفه، در هر موضوعی به دنبال پرسش های خاصی است، نهایی ترین پرسش هادرباره چیستی و چرایی امور. فلسفه، به این معنا، همه چیز را دربر می گیرد. اما آنچه به این همه وحدت می بخشد و همه را تحت عنوان فلسفه جمع می کند، توجه به بنیادی ترین مسئله هاست.

۵۹- با طرح دو پرسش حیطة فعالیت فلسفه و سایر علوم را مشخص کنید.

مثال: علم شیمی ← آیا محلول تورنسل همیشه در مجاورت بازها به رنگ آبی در می آید؟
فلسفه علوم طبیعی ← آیا حواس و دستگاه های آزمایشی ما می توانند شناخت درستی از طبیعت به ما بدهند؟
اخلاق ← چگونه و با چه روشی می توان یک فضیلت اخلاقی به نام «عزت نفس» را در یک شخص تقویت کرد؟
فلسفه اخلاق ← آیا انسان می تواند فضیلت ها و ارزش ها را بشناسد؟

۶۰- چه تفاوتی بین حل مسائل فلسفی با مسائل سایر علوم است و در روش به چه علمی نزدیک

است؟ مسائل فلسفی از راه حواس و تجربه و آزمایش و آمار و ارقام، قابل حل نیست و پژوهش های تجربی، تاریخی، نقلی، ذوقی و ادبی در حوزه های سایر علوم مطرح می شوند؛ عقل می کوشد در خود کاوش کند و با عمل تفکر و تعقل و با تجربه و تحلیل دانسته ها به حل مسئله و کشف مجهول نزدیک شود که از این جهت مانند مسئله های ریاضی است.

۶۱- روش تفکر فلسفی چگونه روشی است؟ توضیح دهید. مسائل فلسفی را نمی توان از طریق حواس یا

آزمایش یا جست وجو در طبیعت حل کرد. هنگامی که با این گونه پرسش ها روبه رو می شویم، هرگز نمی توانیم از حس بینایی یا بویایی یا میکروسکوپ یا تلسکوپ یا هر نوع ابزار دیگر استفاده کنیم. در این موارد، عقل می کوشد در خود کاوش کند و با عمل تفکر و تعقل و با تجزیه و تحلیل دانسته ها به حل مسئله و کشف مجهول نزدیک شود.

۶۲- چرا مسئله های فلسفی شبیه مسئله های ریاضی هستند؟ مسائل فلسفی، از این جهت مانند مسائل

ریاضی هستند؛ یعنی استفاده از میکروسکوپ و آزمایشگاه و تجربه و حواس به حل آنها کمکی نمی کند و فقط با عملیات فکری باید به حل آنها پرداخت.

*۶۳- ملا صدرا «واقف» و «سائر» را کدام دسته از مردم می داند؟ ملا صدرا واقف را کسی می داند که به

همین دانش نظری دلخوش کرده و متوقف شده، دروازه ی جهان بزرگ و برتر به رویش گشوده نشده و فقط از شنیده ها بهره می برد و کارش تقلید از دیگران است. اما سائر اهل حرکت و پویایی است و به شنیده ها بسنده نمی کند. او تلاش می کند از تنگنای ظواهر و محسوسات عبور کند و به جهان وسیع معقولات راه یابد